

فصل سوم

کانون ایدآلیستی خراسان

و اما ابیورد و نسا تنها دانشکده تربت سردار و قهرمان نبود. در گز کانون پرورش پیشوایان بزرگ ایدآلیستی خراسان بشمار می‌رود و این مهنه که امروز چسبیده بخط مرزی ایران در نزدیکی شیلگان است زادگاه ابوسعید ابوالخیر پدر تصوف ایران است. شارستان او را پدید آورنده ایدئولوژی صوفیسم شیخ عطار لسان‌التصوفش می‌خواند. ابن سینا شخصیت او را بزرگی می‌ستاید. او شخصیت بی‌همتای زمان خود بود. ادبیات صوفیانه اش معروف است. زندگی پر ماجرای او راه واقعی تصوف را نشان می‌دهد. تصوف از نظر شیخ تنفر از دنیا و مردم و انزواطلبی نیست. او بود که با الهامات خود راه بنیاد سلسله سلجوقیان را باز و هموار کرد، اساس ظلم وجود را از خراسان بر انداخت. وقتی از او درباره معنای تصوف می‌پرسند جواب می‌دهد "آنچه در سرداری بنهی و آنچه در کف داری بدهی و آنچه بر تو آید نجهی". فضایل یک مرد واقعی و با شخصیت را چنین معرفی می‌کند "مرد آن باشد که در میان خلق نشیند و برخیزد و بخسبند و با خلق داد و ستد کند و در آمیزد در عین حال یک لحظه خدا را فراموش نکند". مهنه و خاندان شیخ سالیان دراز در درگزمورد احترام قدس آمیز مردم بود. با حمله غزان و ویران کردن و قتل عام در مهنه این دیه از آبادی و اهمیت دیرین افتاد. در کتاب اسرار توحید شیخ از وی و از مردان بزرگ این سرزمین یاد شده است.

ابوعلی فضل باوردی یکی دیگر از پیشوایان بزرگ تصوف است که در زمان هارون الرشید میزیست. ابتدا در میان باورد و مرو راهزنی می‌کرد ولی بیکبار استماع آیه ای از کاروان او را تنبیه کرد. یاران دزد را مرخص کرد قدم در وادی طریقت نهاد چنان‌که صد ساله را در اندک پیمود که از بزرگترین شخصیت‌های دینی حکومت عباسیان گردید. او نیز چون ابوسعید ابوالخیر مرد مثبت بود. در قتل عام بغداد خلیفه را با تازیانه انتقاد از باده غرور و قدرت هشیار کرد. ابوالعباس نسوی یکی از مشایخ بزرگ طریقت که در مصر میزیست نزد مصریان مقام و منزلتی والا و و پیروانی با ایمان داشت. ابو محمد جعفر نسوی از فضلالی عارف سده سیم که نفحات الانس او را از مشایخ طبقه اربعه میدانند و به محمد علیان معروف است. ابو سلمه باوردی از عرفای سده چهارم که عده ای از مشایخ بزرگ طریقت مصاحبت او را داشته اند. از گفته‌های اوست "دریغ و افسوس که زندگانی دنیا کاری است بس آسوده و آسان و ما خود آنرا بر خود دشوار می‌سازیم". ابوالعباس باوردی که در سده چهارم میزیست و از سخنان حکیمانه و عارفانه اوست "شادی و سرور دنیا از آن کسی است که طریق قناعت پیش گیرد به جهت آز و طمع سر خواری نزد کسان فرود نیاورد". این خود حسن عقیده و ایمان راسخ او را میرساند. از اینرو لمعانی در کتاب النساب خود او را به اخلاص و ایمان و حسن محاوره و خطابه می‌ستاید. سید ابوالقاسم در گزی از مشایخ دوره قاجاریه که در نو خندان زندگی می‌کرد. بسال ۱۳۱۹ قمری در درگز بدرود زندگی می‌گوید. تربتش در قریه سادات ده کیلومتری درگز میباشد به سید یوسف معروف است. مزارش طواف اهل دل و حقیقت می‌باشد. نایب‌الصدر نویسنده طرائق الحقایق او را ملاقات کرده از ایمان و اخلاص آن صوفی بزرگ شرح تحسین آمیزی مینویسد. سایر بزرگان تصوف که در کتابها از آنان یاد شده از اینقرار است: ابو عبدالله ابیوردی و شیخ احمد ابیوردی.

فقیهان و محدثان - احمد عبدالرحمن نسائی فرزند شعیب در سال ۳۱۵ در نسا متولد میشود. او یکی از شش تن دانشمندان مسلم و بزرگ حدیث اسلام است که "صحاح سته" معروف گردیده است. میگویند یک روز روزه داشتی و یک روز افطار کردی. او کتابی بنام "الخصائص فی فضل علی بن ابیطالت" نوشته بدین جهت معاویه و دولت او را از ارداده به رمله تبعید کردند و در سال ۳۰۳ بدرود زندگی گفت و آثار فکری او در مصر و دهلی چاپ شده معروفیت دارد.

ابوالعباس نسوی از علمای حدیث دوره عباسی که در نزد خلیفه قرب و منزلت خاص داشت و جزء رجال بحساب میرفت. تاج الدین نسوی فقیه معروف که آثار معتبری در فقه اسلامی دارد. **اباسهل ایبوردی** فقیه و حکیم ایبوردی. **علی بن محمد کوفی ایبوردی**.

استادان و حکیمان - استاد محمد مطرز باوری که در سال ۲۵۹ یا ۲۶۰ در ایبورد متولد میشود. نام پدرش عبدالله بود. ابتدا به نقاشی در درگز اشتغال داشت از اینرو او را مطرز نقاش و نگار کننده نامیده اند سپس در علم نحو و لغت و حدیث و زبان عرب به برترین پایه های ممکن میرسد و مینویسد قوه حافظه عجیب داشت که سی هزار ورق از علوم را از حفظ میخواند. ابن خلکان هیجده فقره کتاب و آثار او را می شمارد. در سال ۳۴۴ یا ۳۴۵ بدرود زندگی میگوید. **حکیم ابوالحسن نسوی**، حکیم نسوی از بزرگترین ریاضی دانان ایران از مفاخر علمی وطن ماست. استادان و دانشمندان باو لقب استاد مختص داده اند. وی در عصر ابوریحان بیرونی و ابن سینا میزیست. خانه او را با همه کتابهای نفیسی که داشته بیت الحکمت و کانون ارباب دانش و پژوهش مینویسند. استاد خود معتقد است ابوعلی سینا قسمتی از کتاب قانون را در خانه او نوشته است. او در علوم پزشکی و ریاضی و ستاره شناسی و حیوان شناسی و داروشناسی و هندسه اطلاعات زیاد داشت، در جلسات درس این دانش ها را تدریس میکرد. مجله دانشکده ادبیات طهران یازده فقره آثار ویرا معرفی میکند. کتاب الاشباع وی که در شرح قضیه منلاوس ریاضی دان و ستاره شناس و طبیعی دان یونانی است توسط ویدسن باآلمانی ترجمه شده است. کتاب بازنامه وی که در معرفی انواع حیوانات شکاری و شرح نگاهداری و پرورش و طریق شکار و شناخت بیماریها و مداوای آنهاست معروفیت دارد. **استاد اسعد مهنه ای**، اسعد مهنه ای فرزند الوافضل هم محل ابو سعید ابوالخیر در مهنه درگز متولد شده ا بوا لفتح بستی او را در اشعار خود می ستاید. انوری او را چهار آفتاب خاوران و هم شهری خود میخواند. او در سال ۵۱۷ استاد دانشکده نظامیه بغداد بود و در علم فقه دانشمندی مبرز بشمار میرفت و از رجال دوره عباسی محسوب میشد. **استاد تفتازانی** بسال ۷۲۲ در نسا متولد شده در ادبیات اسلامی و تازی استادی به همتا بوده در مدرسه هرات تدریس میکرد از رجال نامدار آل کرد و امیر تیمور گورکان بشمار میرود. خواندمیر مینویسد او همواره در دربار امیر تیمور بر بالای تشک سلطان گورکانی بود. آثار او در علوم حدیث و نحو و کلام و منطق و تفسیر معروف و موجود است. وی بسال ۷۹۷ بدرود زندگی میگوید تربتش در سرخس است. فرزند او **محمد تفتازانی** از علما و فضیای زمان خود بود در بابرنامه پارسائی و تقوای او را ستوده اند. بسال ۹۱۶ به جهت پایداری و استقامت در ایمان مذهبی کشته شد. **استاد ابوالمظفر باوردی**، استاد ابوالمظفر باوردی معروف به معادی فرزند احمد که در ایبورد متولد میشود وی از بزرگترین رجال علوم ادب اسلامی و نسب شناسی بوده. در زمان المستظهر باله خلیفه عباسی خازن کتابخانه دانشکده نظامیه بغداد بوده که مورد قهر و غضب دربار عباسی قرار میگرفت و ناگزیر برای حفظ جان خود از بغداد فرار میکند.

علامه دهخدا مینویسد او را در لغت مصنفاتی است که کسی پیش از وی بهتر از او تألیف نکرده است. دیوان اشعار عربی وی معروف میباشد. در عظمت مقام وی همین کافی که اخیراً انجمن بیداری سوریه، دارالیقظه، کتابی بنام الایبوردی در نبوغ ادبی و سیاسی و اجتماعی او در سیصد صفحه منتشر کرده است و او را از نوابغ علمی دنیای اسلامی می شمارد. دشمنان سیاسی وی همه جا او را تعقیب کردند در وطن خود آرام و آزادش نگذاشتند تا سر انجام با توطئه ای در ۲۵ ربیع الاول ۱۳۰۷ در اصفهان مسمومش کردند. آثار فکری او را تا پانزده کتاب شمرده اند که یکی از این کتابها تاریخ ایبورد و نسا است که نایاب میباشد و دسترسی بآن بطور قطع شکوفانی در اهمیت این سرزمین بوجود خواهد آورد.

استاد ابوالفتح محمد شهرستانی، سید تاج الدین ابوالفتح محمد شهرستانی فرزند ابوالقاسم که در ۴۷۹ قمری در شهرستان درگز (نسا) متولد میگردد. شهرستانی در اغلب رشته های علوم دینی و اجتماعی و ادبی، فلسفه و حکمت تبحر داشته بخصوص در رشته مناظره و مباحثه استاد بیهمتا بوده است. اسعد مهنه ای که شرحش گذشت هم شهری خود را بدانشکده نظامیه بغداد دعوت میکند کنفرانس بوسیله او در آنجا داده میشود کرسی باو داده اند و از استاد میخواهند در آنجا بتدریس بپردازد ولی استاد که مردی آزاداندیش، بند گسل، قید ناپذیر بود در میان عباسیان نمی ماند و آن دربار را ترک میگوید بکانون مخالف آنان دربار سلجوقیان میآید. سلطان سنجر برای استاد احترام زیادی قایل بود او را برادر خطاب میکرد ولی بعد از مدتی از سلطان رنجیده با اینکه مقام نیابت دیوان را عهده دار بود معترضان دربار سلجوقی را ترک گفت به شهرستان نو خندان آمد کانون فرهنگی بزرگی برای خراسان در درگز تاسیس کرد. غزان وحشی بعد از شکست سلجوقیان و اسیری سلطان سنجر و خرابی مرو و مهنه زادگاه استاد را دچار نهب و غارت کرده به ویرانه ای تبدیل نمودند، اندکی بعد استاد شهرستانی با دلی رنجور در گذشت. اینک تربت نیمه برجای آن در شادمینا نزدیک شهرستانه دیده میشود. بیهقی هیجده فقره کتاب او را می شمارد. معروفترین اثر استاد کتاب ملل و نحل است. استاد انوری ایبوردی، حکیم انوری ایبوردی شاعر بزرگ پارسی را همه می شناسند. در عظمت مقام وی در ادبیات ایران این ابیات کافی است.

در شعر سه تن پیمبرانند
قولی است که جملگی بر آنند
فردوسی و انوری و سعدی
هر چند که لانی بعدی

انوری در اغلب دانش های آنروز دست داشت. ایرادی که بر او میگیرند پیش بینی قران طوفان ۵۸۱ بوده که مخالفین از درست در نیامدن این پیش بینی او را آزار میدهند ولی عده ای معتقدند این قران بعداً درست در آمد چه در همین سال تموجین چنگیز موجد طوفان وحشیانه مغول بمقام سرداری ایل والوس میرسد. انوری شاعری آزاداندیش بوده اشعار وی نماینده تفکر و حالات روحی اوست:

آلوده منت کسان کم شو
تایکشبه در وثاق تو نان است
عادت کن از جهان سه خصلت را
ای خواجه وقت مستی و هشیاری
دانی که چیست آن بشنو از من
رادی و راست و کم آزاری

در تعریف از ولایت ایبورد که خاورانش نیز می نامیدند میسرآید:

شادزی ای آب و خاک خاوران کز روی لطف
همچو آب بحر و خاک کان گهر می پروری

سرایندگان و نویسندگان بعد از انوری بزرگترین شاعر ابیورد باباسودانی ابیوردی است. شاعر لطیفه گو در سال ۷۷۰ قمری در ابیورد متولد میشود. گویا از اهل شیلگان لطف آباد باشد. امیر دولت‌شاه او را سرخیل شاعران قرن خود می‌شمارد. از اشعار لطیف اوست:

عنبرت خال و رخت ورد و خطت ریحان است
دهنت غنچه و دندان در و لب مرجان است
گوهرت نطق و زبان طوطی و فندق انگشت
ذقت سیب و برت سیم و دلت سندان است
فرقت روی تو زاندازه و طاقت بگذشت
بیش از این صبر ندارم کرم از مردان است

بابا در ۸۵۳ بدرود زندگی میگوید.

زین العابدین نسوی - هدایت اله زین الدین نسوی از شاعران فاضل و عارف عصر خود بوده است. این ابیات از اوست:

در جستن جام جم بسی پیمودم
روزی ننشستم و شبی نغنودم
زاستاد چو وصف جام جم بشنودم
خود جام جهان نمای جم من بودم

محمد نسوی - از علما و شعرای بزرگ سده ششم که در دربار خوارزمشاهیان میزیست. دیوان انشاء سلطان با او بود. عده ای بوی اخلاص میورزیدند. ناصر نسوی - ناصر نسوی در سده پنجم میزیست. مداح سلطان محمد سلجوقی بوده طبعی متین داشت. محمد عوفی طبع و فضل او را ستوده است.

فریدالدین کاتب نسوی - از سرایندگان خوشگو و لطیف طبع که در سده ششم میزیست. جزء رجال سلجوقیان بشمار میرفت. مدتی رئیس دیوان رسایل سلطان سنجر بود. با انوری مخالفت داشت. شعر معروف "گفت انوری که از اثر بادهای سخت ویران شود سراچه و کاخ سکندری" در بدگویی قران پیش بینی انوری از اوست. در شکست سلطان سنجر چنین میسراید:

شاهها زسنان تو جهانی شد راست
تیغ تو چهل سال زاعدا کین خواست
گر چشم بدی رسید آنهم زقضاست
کان کس که بیک حال بمانده است خداست

خواجه ناصرالدین ابو نصر مهنه ای - شاعر عارف مسلک ابیوردی که این بیت از اوست:

از مه روی تو آئینه جان ساخته اند
وندران آینه جان را نگران ساخته اند

میر حسین باوردی - که میرعلی شیر نوائی شخصیت ادبی و علمی او را ستوده است.

ملاقاسم مهنه ای ادیب و شاعر. ابوالحسن اعراج ابیوردی کاتب. شیخ ابوسعید قاضی عبدالرحیم علی نسائی کاتب مشهور.

صید علی خان درگزی - صید علیخان از خاندان حکمرانان و بیگریگی های درگز (ابیورد) پسر سلیمانخان برادر محمد علیخان منصورالملک و سرتیپ الهیارخان بیگریگی از شعرای معروف و ادبای ارزنده متاخر که مقام ادبیش مورد توجه بوده در ابتدای مشروطیت ایران (مکتب ادبی صیدعلیخان) در خراسان معروفیت بسزائی داشت. ادیب پیشاوری و ملک الشعراهای بهار از شاگردان وی بشمار میروند. خود بهار در قصیده ای که بمناسبت دعوت بدرگز سروده است در این باره میسراید:

مرالستاد شعر پارسی اوست
بنام ایزد زهی استاد و سرور

اشعار صید علیخان بسیار سلیس و روان و پر معناست. نمونه ای از اشعار وی ذکر میشود:

چشمش از ناز وای بر من و دل	باز شد باز وای بر من و دل
کرد پرواز وای بر من و دل	مرغ دل تا بگوشه با مش
شده دمساز وای بر من و دل	باز دمساز من کنون با غیر
ترک قفقاز وای بر من و دل	دل من برد و قصد جان دارد

صید علیخان از آوردن واژه های غیر فارسی در اشعار احتراز میجست. از اشعار حکیمانه و روان اوست:

دوستی با مردم دانا چو زرین کوزه ای است نشکند چون بشکند بازش توانی ساختن
دوستی با مردم نادان سفالین کوزه ای است بشکند چون نشکند باید بدور انداختن

ایبورد از دیر زمان سیاستمداران و رجال زمامدار ارزنده ای داشته که نباید جای آنان در این مقال خالی بماند:

شهاب الدین نسوی رئیس دفتر مخصوص سلطان جلال الدین خوارزمشاه که در شعر و شاعری نیز دست داشته است و اشعار زیر از اوست

شاهای زمی گران چه خواهد خاست	وز مستی بیکران چه بر خواهد خواست
شه مست جهان خراب دشمن پس و پیش	وز رطل پیایی گران چه بر خواهد خواست

در اثر قلمی او سیرت جلال الدین در تاریخ ادبیات ایران معروف است.

ضیاء الملک نسوی در دربار سلطان جلال الدین سمت عارض لشکر داشته و مدتی نیز حاکم نسا بوده است. ابوعلی شادانی - سلجوقیان از لحظه ای که در اتمک اطراق کردند، چراگاه باورد در اختیار آنان گذاشته با مردم در گز تفاهم و روابط نزدیک یافتند بهمدیگر اعتماد نمودند. انگیزه اصلی قیام سلجوقیان علیه غزنویان ظلم و جور حکام و هدایت و حمایت ابوسعید ابوالخیر بود. از اینرو وقتی پادشاهی ایران بر سلجوقیان مسلم شد از نسل جوان این کشور در استحکام قدرت حکمرانی خود استفاده کردند. انوری ایبوردی، فرید نسوی، شیخ محمد شهرستانی کسانی بودند که در این زمان فرصت نشان دادن استعداد خود را یافتند. ابوعلی شادانی نیز کسی بود که بوزارت اعظم طغرل سلجوقی رسید سهم بزرگی در قوام و دوام سلسله سلجوقیان داشت. بمعرفی وی خواجه نظام الملک که قبول امیر دولتشاه سمرقندی خویشاوند شادانی بود بعد از وی وزیر سلاجقه شد. گویند هرگاه که سلجوقیان از نظام الملک کار بزرگی میدیدند از شادانی به نیکی یاد میکردند برروانش درود میفرستادند. انوری در شعر مشاهیر خاوران ابوعلی را یکی از چهار آفتاب شخصیت ایبورد و همشهری خود معرفی میکند.

امیر حسین ایبوردی ادیب و شاعر و رجل دربار گورکانی که در زمان بدیع الزمان گورکانی بمقام شیخوخیت آستانه شاهی برگزیده شد تا سال ۹۱۰ در این سمت بود بعد بزادگاه خود ایبورد برگشته ده سال بعد درمیگذرد.

خواجه کمال الدین ایبوردی از رجال معروف خراسان بشمار میرفت مدتی نیز صدارت امرای گورکانی را با تقوی و پاکی عهده دار بوده در سال ۸۹۹ بدرود میگوید. تربتش در مسجد جامع هرات که از بناهای اوست میباشد.

پهلوانان ایبوردی - از دیر زمان زورمندان و پهلوانان ایبورد در خراسان و اتمک و آخال تا مرو و خوارزم معروف بوده است. قادر^۱ پهلوان که شرح زورمندی و پیروزی او بر کشتی گیران مرو و آخال و خوارزم معروف است و یکی از

۱ - قادر پهلوان افشار که در کشتی گیری بیغوکولی را شکست داده مورد تمجید قراخان بیک از سرداران افشار واقع و اسب خود قرقی را باو می بخشد (شیر مرد اتمک)

پهلوانان نامور دوره صفوی بوده است (کتاب ورزش باستانی ایران بقلم پرتو بیضائی). صندل بیگ نسائی ایبوردی و ترخون بیگ درگزی را در شمار کشتی گیران و زورمندان نامدار ایران قرار داده است (نام صندل بیگ نسائی ایبوردی و همچنین اسم محمد رحیم بیگ بوالوردی در صفحه ۱۰۵ رستم التواریخ تألیف رستم الحکما نیز ذکر شده است).

لغت نامه دهخدا در مورد ایبورد چنین مینویسد: ایبورد - یاقوت گوید ایرانیان در اخبار خویش ارند که کیکاوس زمینی را بخراسان باقطاع باورد بن گودرز کرد او شهری بدانجا بساخت که بنام بانی آن باورد منسوب شد و بخراسان میان سرخس و نسا واقع است و آبی ناگوار دارد و آنرا باورد نیز نامند و از این شهر است ادیب ابوالمظفر محمود بن احمد بن محمد بن احمد لاموی المعادی الشاعر و اصل او از قریه کوفن یکی از قراء ایبورد است و فتح ایبورد بدست عبدالله ابن عامر ابن گریز بسال ۳۱ از هجرت بود و بعضی گفته اند پیش از این سال اخف قیس این شهر را فتح کرده است و نسبت به آن باوردی و ایبوردی است و شاید همین شهری است که فعلا محمدآباد (درگز) گویند در مغرب مرو وقتی تابع خراسان بوده فعلا جزء بلاد روس است و در قرن ششم مقر اسقف شامی بوده است بشمال شرقی ایران از بلاد ثغری ایران و روس میان سرخس و گوگ تپه و جنوب شرقی عشق آباد یکی از سرچشمه رود اترک نزدیک ایبورد است و ابو علی فضل ابن عیاض و انوری ایبوردی شاعر و ابوالمظفر احمد بن محمد اموی بدین شهر منسوبند و ذیل جامع التواریخ رشیدبن فضل اله و مرآت البلدان ذیل ایبورد و تاریخ مغول تألیف عباس اقبال و معجم البلدان است. نادر نامه تألیف محمد حسین قدوسی از انجمن آثار ملی خراسان درباره درگز (ایبورد) چنین می نویسد: عده ای از تاریخ نویسان بر آنند که دارا آخرین پادشاه ایران جلگه ای که درگز در مرکز آن واقع است و بواسطه کوههای مرتفع محصور است کشته شد و این شهرستان در قدیم بسیار حاصلخیز بوده و معروف است که یکنفر با دو دست نمی توانست شاخه تاک را در بغل بگیرد و طول شاخه های انگور به نود سانتیمتر میرسیده. هنگامی که قرارداد ۱۲۸۵ هجری قمری موسوم به آخال (نزدیکی عشق آباد) که بین ایران و روسیه منعقد شده و شهرهای ایبورد و نسا و جلگه حاصلخیز اتک بروسیه واگذار گردید. علیخان بیگ حصاری که یکی از خوانین محل بود یک خربوزه و یک خوشه انگور را به چهارپائی بار کرده و نزد ناصرالدین شاه برد تا بدانند رجال نالایق ناصری چه سرزمین زرخیزی را (مقصود دشت اتک و شهرهای نسا و ایبورد) از دست داده اند. شهرها و قلاع قدیم این جلگه عبارتند از باورد (ایبورد) نسا نزدیک عشق آباد حالیه و از شهرهای بسیار قدیمی آریائی است و شهرستانه در نه کیلومتری درگز، دستگرد، خیوه آباد (نزدیک ایبورد)، آنائو (در خاک شوروی نزدیک عشق آباد)، قوزقان (نزدیک شمسی خان)، باغباده، چاپشلو بیست کیلومتری درگز، مهنه (در خاک روسیه نزدیک شیلگان)، چرم (بین کلات و خاکستر که جنگ طوس با فرودکه در شاهنامه فردوسی ذکر شده شاید این دژ بوده است)، کلات و برون که زادگاه ابوریحان بیرونی (برونی) ریاضی دان معروف است، و شمسی خان، قره باشلو، لائین، قره تیکان، چهچه، خاکستر، قلعه شیخان، کرناوه، حاتم قلعه، لطف آباد، نوخندان، شیخوانلو، پالکانلو، و زنگانلو.

در این گفتار خود را با اشعار وطنخواهانه صید علیخان درگزی که استاد ملک الشعراى بهار و ادیب پیشاوری بوده است (متأثر از قرارداد ننگین آخال) در مورد کیفیت تاریخی و جغرافیائی زادگاه اجدادی خودمان که در عین حال بزرگ مردانی چون ارشاک، ابومسلم، نادرشاه، ابوسعید ابوالخیر، انوری، حکیم نسائی و دیگر نام آوران نیز میباشد پایان می بخشیم و بقسمت های دیگر گفتار میپردازیم:

موطن انوری و مولد نادرشاهی
شهرهان کهنش گر کنون ویران است
شهر باورد و یا ناحیه دارجرد
سنگ امروزه بر آثار همه گریان است

در گزدان که چنو در همه ایران نبود
از ملک ناحیتی نیست که ویران نبود
یا چو شهرستان کان در همه کیهان نبود
وای بر سنگدلی کانجا گریان نبود